

**\*\*Subject: Iran–Israel–Armenia Union: An Emerging Strategic Reality\*\***

**\*\*May 8, 2026\*\***

Mr. President,

In 2014, when ISIS was rapidly rising, I wrote in my book *\*2020: The Fall of the Islamic State and the Union of Iran, Israel, and Armenia\** that the defeat of radical Islam would eventually open the door to a new strategic alignment in the Middle East centered around these ancient nations.

ISIS was ultimately defeated during your administration. Yet the broader vision of the Armenia Project—creating a peaceful economic and strategic corridor in the region—remained unfinished. Today, with your historic initiatives and renewed global attention toward regional connectivity, I once again emphasize the importance of the Trump Riviera Corridor and its long-term benefits:

1. Establishing a viable route for energy transit from the region toward Europe, reducing dependence on adversarial channels.
2. Positioning the United States within the emerging India–Europe connectivity framework and the future trade architecture of Eurasia.
3. Unlocking major economic development in an underutilized but highly strategic border region.
4. Creating a new center for tourism, commerce, investment, and American enterprise in the South Caucasus.
5. Most importantly, establishing a visible and peaceful American presence near Iran’s northern border—creating long-term influence, proximity, and strategic leverage without military conflict.

Mr. President,

This regional relationship is not artificial. It is rooted in over three thousand years of history. Long before modern ideological conflicts emerged, the peoples of Iran, Armenia, and Israel coexisted within a civilizational sphere shaped by the ancient principles of Zoroaster: Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds.

Even after the rise of Christianity and Islam, hostility among these peoples remained limited for centuries. The present hostility originates not from the Iranian people, but from the ideological structure imposed by the Constitution of the Islamic Republic and the rule of the Shiite Ayatollah establishment.

Cyrus Force is primarily known for its two fundamental demands:

1. A democratic Constitutional Assembly by the people of Iran to replace the current constitution.

2. Smart sanctions directed at regime elites to peacefully pressure the Ayatollah establishment into accepting constitutional change without foreign military intervention.

However, the Armenia Project, our research regarding the Quran and the incompatibility of the current Iranian Constitution with its principles, and our broader cultural and civilizational initiatives are all part of a larger roadmap for a peaceful transition in the Middle East.

These efforts are intended to support a future based on regional cooperation, economic development, and stability—and to contribute to the historic legacy of your presidency as a leader who pursued peace through strength and strategic vision rather than endless war.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

[www.CyrusForce.org](http://www.CyrusForce.org)

ترجمه فارسی

موضوع: اتحاد ایران، اسرائیل و ارمنستان؛ یک واقعیت راهبردی در حال ظهور

هشتم می 2028

جناب آقای رئیس‌جمهور،

در سال 2014، زمانی که داعش به سرعت در حال گسترش بود، در کتاب خود با عنوان \* «2020: سقوط دولت اسلامی و اتحاد ایران، اسرائیل و ارمنستان» \* نوشتم که شکست اسلام‌گرائی افراطی، سرانجام راه را برای یک همگرایی راهبردی جدید در خاورمیانه، بر محور این ملت‌های کهن، باز خواهد کرد.

داعش سرانجام در دوران ریاست جمهوری شما شکست خورد. اما چشم انداز گسترده تر «پروژه ارمنستان» — یعنی ایجاد یک کریدور صلح‌آمیز اقتصادی و راهبردی در منطقه — ناتمام باقی ماند. امروز، با ابتکارات تاریخی شما و توجه دوباره جهانی به اتصال منطقه‌ای، بار دیگر بر اهمیت «کریدور ریوپرای ترامپ» و مزایای بلند مدت آن تأکید می‌کنم:

1- ایجاد یک مسیر عملی برای انتقال انرژی منطقه به سوی اروپا و کاهش وابستگی به مسیرهای تحت کنترل دشمنان آمریکا.

2- قرار دادن ایالات متحده در قلب چارچوب نوظهور اتصال هند به اروپا و معماری آینده تجارت اوراسیا.

3- آزادسازی ظرفیت عظیم توسعه اقتصادی در منطقه‌ای مرزی که با وجود اهمیت راهبردی بالا، هنوز به‌درستی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

4- ایجاد یک مرکز جدید برای گردشگری، تجارت، سرمایه‌گذاری و حضور شرکت‌های آمریکایی در قفقاز جنوبی.

5- و مهمتر از همه، ایجاد یک حضور آشکار و صلح آمیز آمریکا در نزدیکی مرز شمالی ایران؛ حضوری که بدون درگیری نظامی، نفوذ، نزدیکی و اهرم راهبردی بلند مدت برای آمریکا ایجاد می‌کند.

جناب آقای رئیس جمهور،

این رابطه منطقه ای، مصنوعی و موقت نیست. ریشه آن به بیش از سه هزار سال تاریخ بازمی‌گردد. بسیار پیش از شکل‌گیری درگیری‌های ایدئولوژیک مدرن، ملت‌های ایران، ارمنستان و اسرائیل در یک حوزه تمدنی مشترک زندگی می‌کردند که بر پایه اصول باستانی زرتشت شکل گرفته بود: پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک.

حتی پس از ظهور مسیحیت و اسلام نیز خصومت میان این ملت‌ها برای قرن‌ها محدود بود. دشمنی کنونی، برخاسته از مردم ایران نیست، بلکه نتیجه ساختار ایدئولوژیک است که توسط قانون اساسی جمهوری اسلامی و حاکمیت روحانیت شیعه بر ایران تحمیل شده است.

سایروس فورس عمدتاً با دو خواسته بنیادین شناخته می‌شود:

1- تشکیل مجلس مؤسسان دموکراتیک توسط مردم ایران برای جایگزینی قانون اساسی کنونی.

2- اعمال تحریم‌های هوشمند علیه نخبگان حاکمیت، به منظور وادار کردن ساختار روحانیت به پذیرش تغییر قانون اساسی، بدون مداخله نظامی خارجی.

با این حال، پروژه ارمنستان، تحقیقات ما درباره قرآن و ناسازگاری قانون اساسی کنونی ایران با اصول آن، و همچنین ابتکارات گسترده فرهنگی و تمدنی ما، همگی بخشی از یک نقشه راه بزرگ‌تر برای گذار صلح آمیز خاورمیانه هستند.

هدف این تلاش‌ها، حمایت از آینده‌ای مبتنی بر همکاری منطقه‌ای، توسعه اقتصادی و ثبات است — و همچنین کمک به شکل‌گیری میراث تاریخی ریاست جمهوری شما، به‌عنوان رهبری که به جای جنگ‌های بی‌پایان، صلح را از طریق قدرت و بینش راهبردی دنبال کرد.

با احترام

سهراب چمن‌آرا